

واکاوی انتقادی روند شیعه‌پژوهی در غرب از جنگ‌های صلیبی تاکنون

محمد رضا بارانی^۱
زینب میرزایی مهرآبادی^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

چکیده

۱

شیعه‌پژوهی در غرب گرچه از اواخر سده نوزدهم و در اوایل سده بیستم میلادی موضوع تحقیق قرار گرفت، پس از تحولات در جهان اسلام و آشنایی با ظرفیت تشیع به‌ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، گسترش بسیار یافت. در اولین رویارویی غربیان با تشیع در نبردهای صلیبی، فاطمیان و اسماعیلیان همچون نمایندگان اسلام شیعی معرفی شدند و غربیان تا حد بسیاری، تحت تأثیر فضاهاى رسمی جهان اسلام، تشیع را مکتبی بدعت‌آمیز قلمداد کردند. پرسش این است که مطالعات شیعی در غرب چه روندی داشت؟ در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، سیر تطور آشنایی غربیان با تشیع و پژوهش‌های ایشان در این باره بررسی خواهد شد. به هر حال با وجود رشد تدریجی مطالعات در این باب، هنوز آثار موجود درباره شیعه امامیه بسیار اندک است.

کلیدواژه‌ها:

اسلام‌شناسان غربی، شیعه‌پژوهی، اسماعیلیه، بدعت.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول). m.barani@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه الزهرا. rahamehr64@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۶

درآمد

مطالعات غرب در باب اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی پیشینه‌ای طولانی دارد، اما سهم مذهب شیعه، چه در مرحله تکوین و چه در مرحله رشد، چندان قابل توجه نبوده است. این شاخه از مطالعات اسلامی تا حدی نوپاست و سابقه آن بیشتر به دهه‌های اخیر و پس از وقوع انقلاب در ایران باز می‌گردد. آثار علمی درباره تشیع محدود است و هنوز بررسی جامعی شامل همه موضوعات، صورت نگرفته است (Madelung, 13, 247).

آشنایی غربیان با تشیع از طریق فاطمیان و سپس اسماعیلیان حاصل شد: در جنگ‌های صلیبی، فاطمیان بودند که با جنگجویان صلیبی مقابله کردند. هرچند در سوریه یا فلسطین برخوردارهایی با شیعیان دوازده‌امامی پیش آمده بود، با این همه، فاطمیان در سازمان‌دهی این برخوردها نقشی نداشتند و از سوی دیگر، منزلت صوفیانه این دسته از شیعیان نیز، همچون اسماعیلیان نبود، بنابراین، از نگاه نویسندگان جنگ‌های صلیبی دور ماندند (Kohlberg, 31. "Western studies of Shia Islam").

سیطره اهل سنت بر مراکز قدرت و ثروت نیز سبب می‌شد تا تشیع در حاشیه مطالعات اسلامی قرار داشته باشد. شماری از مؤلفان آثار در باب فرق و مذاهب، شیعه را همچون فرقه‌ای منحرف از قاعده اسلام تلقی کرده‌اند و بسیاری از اسلام‌شناسان غربی این رویکرد را پذیرفته‌اند (Lalani, 1). اکنون دیرزمانی است که ضرورت معرفی اصول اعتقادی شیعه بر اساس مآخذ شیعی احساس شده است (هالیستر، ۲۹). باری، پژوهش درباره شیعه، بسیار اندک و روش‌ها ناکافی و بیشتر بر منابع اهل سنت استوار بوده است.

پرسش این است که مطالعات غرب درباره اسلام شیعی، چه روندی داشت؟ فرضیه این است که روند شیعه‌پژوهی غربیان، سیری از پدیدارشناسی اولیه را به پژوهش‌های میدانی و سپس به شیوه علمی طی کرد، اما گسترش مطالعات علمی درباره تشیع نیز، موجب بررسی واقع‌بینانه از آن نشده است. در این پژوهش، شیعه‌پژوهی از آغاز تا پایان سده بیستم بررسی خواهد شد. مراد از اسلام‌شناس غربی در این پژوهش، نویسندگانی است که در کشورهای غربی، یعنی اروپا و آمریکا به کار مطالعه و پژوهش درباره اسلام شیعی پرداخته‌اند و اسلام‌شناسان روسی در این بررسی لحاظ نشده‌اند.

درباره شیعه‌پژوهی در غرب آثار بسیاری به فارسی در دست است؛ از آن جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: اسلام از دریچه چشم مسیحیان از مجتبی مینوی (۱۳۵۲)؛ «تحقیق عقاید و علوم شیعی» از عبدالجواد فلاطوری (۱۳۵۲)؛ «فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی» از خورشید (۱۳۶۶)؛ «گذری بر مطالعات شیعی در غرب» از احمدوند (۱۳۷۷)؛ فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق زمین از نصرالله نیک‌بین (۱۳۸۰)؛ مطالعات اسلامی در غرب از محسن الویری (۱۳۸۱)؛ تصویر شیعه در دایره‌العارف امریکانا از تقی‌زاده‌داوری (۱۳۸۲)؛ «تاریخچه مطالعات اسلامی در غرب» از ریچارد مارتین (بی‌تا)؛ کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب از همتی گلپان (۱۳۸۶)؛ آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان از زمانی (۱۳۸۸)؛ «سهم سفرنامه‌های اروپائی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب» از حسن حسین‌زاده (۱۳۸۹). در این تحقیق، به ویژه به شناسایی مراحل مختلفی که اسلام‌شناسان در روند شناسایی شیعه طی کرده‌اند، توجه شده است.

۱. شیعه‌پژوهی با روش پدیدارشناسی اولیه

شیعه‌پژوهی در غرب را کمابیش می‌توان از دوره جنگ‌های صلیبی پی گرفت: غرب در رویارویی با دولت‌های شیعی فاطمیان و اسماعیلیان، از نظر سیاسی با شاخه‌ای از اسلام، جدا از اسلام سنی آشنا شد، با این همه، نتوانست شناختی عمیق از تشیع به دست آورد: دریافت آنها سطحی و آمیخته به تعصب بود؛ به ویژه که آگاهی‌های خود را در این باب، از منابع اهل سنت، یا فاطمیان و اسماعیلیان کسب کرده بودند و این اطلاعات بیشتر برگرفته از افسانه‌های عامیانه و پندارهای خرافی یا آثار جدلی بود (بارانی، تاریخ مطالعات اسلامی در غرب، ۱۵۳). از سوی دیگر، از آنجا که انگیزه‌های مذهبی آنان را به میدان نبرد کشانده بود، خواه ناخواه با تعصب به اسلام و تشیع می‌نگریستند؛ هرچند که در این دوره نوعی پدیدارشناسی اولیه در آثار نویسندگان صلیبی دیده می‌شود. هدف مطالعه پدیدارشناختی، پژوهش و آگاهی مستقیم از پدیدارهایی است که در تجربه بی‌واسطه آشکار می‌شود. پیروان مکتب پدیدارشناسی بر این باورند که اندیشمند می‌تواند در فرایند شناخت، بر سوابق ذهنی و تمایلات خود پیروز شود (محمدمدپور، ۲۷۰/۱). نویسندگان صلیبی هم به صورت مستقیم به پژوهش و آگاهی درباره مذاهب اسلامی و به ویژه تشیع پرداخته‌اند و این مرحله را می‌توان گام نخست برای پدیدارشناسی دانست.

در نتیجه، با آنکه غربیان در آن عهد بیشتر از طریق منابع اهل سنت یا اسماعیلی برای دریافت اطلاعات خود بهره می‌گرفتند، لزوم شناخت یک مذهب از دریچه چشم معتقدان آن را تا حدی درک کرده بودند و رویکرد آنان در برابر تشیع درون دینی بود، با این همه، چون به منابع شیعه اثنی عشری دسترسی نداشتند، همچنان بیشتر متأثر از منابع اهل سنت بودند.

اروپاییان با فتوای پاپ الکساندر دوم، در سال ۱۰۶۴/ق ۴۵۶م ضد مسلمانان اسپانیا لشکرکشی کردند و با تسلط بر طلیطله در سال ۱۰۸۵/م ۴۷۸ق و استیلای نورماندی‌ها بر سیسیل در سال ۱۰۹۱/ق ۴۸۴م سروری مسلمانان بر غرب و اسپانیا فرونشست. از آن پس مسیحیان دریافتند که از جانب نواحی غربی خطری جدی متوجه آنان نیست؛ بنابراین، تعرض و تهاجم را در سطح وسیعی به شرق اسلامی آغاز کردند (همتی گلیان، ۲۵).

انگیزه یا بهانه جنگ‌های صلیبی، اختلاف میان مسیحیان و مسلمانان بر سر اماکن مقدس بود. تقریباً تا سده پنجم هجری، مسیحیان برای زیارت بیت المقدس دشواری چندانی نداشتند؛ اما پس از تسلط سلاجقه بر فلسطین، راه زیارت بر مسیحیان بسته شد. در همین سال‌ها، تمدن بیزانس نیز در معرض خطر قرار گرفت و از پاپ تقاضای کمک کرد. آغاز جنگ‌های صلیبی در ظاهر انگیزه‌های دینی داشت، اما آن انگیزه‌ها اندک اندک در سایه قرار گرفت. پیش از جنگ‌های صلیبی، اروپاییان از دینی که در نزدیکی آنان - اسپانیا - رواج و رونق گرفته بود، آگاهی چندانی نداشتند: اسلام را مانند قبایل ژرمن، اسلاو و جریان‌های ارتدادی چون مانوی‌گری، یکی از دشمنان مسیحیت می‌پنداشتند. تا آغاز جنگ‌های صلیبی در سده یازدهم، نام محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای اروپاییان ناشناخته بود و پس از آن هم به شیوه‌ای بسیار تحقیرآمیز از آن حضرت یاد می‌شد (مارتین، ۱۵).

در باب تأثیر آغاز جنگ‌های صلیبی (۴۹۰ق/ ۱۰۹۵م) بر مطالعات شرقی بحث بسیار بوده است و به هر حال، پژوهشگران اتفاق نظر ندارند. این جنگ‌ها بی‌گمان تا اندازه‌ای اروپا و آسیا را نزدیک کرد و به ترجمه انبوهی از آثار علمی و فلسفی از عربی به لاتین منجر شد و نفوذ تمدن اسلامی به اروپا، روابط سیاسی و بازرگانی دو منطقه را گسترش داد (فلسفی، ۴). در واقع جنگ‌های صلیبی اروپاییان را واداشت تا به تعالیم اسلام هم بپردازند (حمدی زقزوق، ۲). با این همه، درک غربی‌ها از اسلام عالمانه نبود و تعصب و کینه تیزی بر ذهن ایشان غلبه داشت (همتی گلیان، ۲۶). تقریباً همه وقایع‌نگاران لاتینی دوره جنگ‌های صلیبی، مسلمانان را مشرک معرفی و تأکید کرده‌اند که ستیز صلیبیان با آنان بخشی از مبارزه با کافران عصر باستان بوده است (همو،

۲۷). به نوشته وات، اطلاعات منابع درباره اسلام با اشتباهات بسیار آمیخته بود: در نظر اروپاییان، ساراسن‌ها بت‌پرستانی بودند که محمد ﷺ را می‌پرستیدند یا وی را ساحر می‌پنداشتند و به غلط، تعدد زوجات را آزادی جنسی می‌دانستند (وات، ۱۳۲). به زعم آنان، اسلام نیرویی خبیث و شرور بود و محمد بت یا خدای مسلمانان شمرده می‌شد. این نظرات، بیشتر برگرفته از افسانه‌های عامیانه و پندارهای خرافی بود (حمیدی زقزوق، ۳).

اطلاعات این کتاب‌ها درباره شیعه، بسیار اندک و آمیخته به تعصب و تحریف و بیشتر متکی بر منابع اهل سنت و غالباً مشتمل بر تهمت و بهتان بود. گرچه تأثیر اسماعیلیان نیز در این میان باید در نظر گرفته شود؛ زیرا غریبان در جنگ‌های صلیبی نخست با فاطمیان اسماعیلی مذهب یا اسماعیلیان ساکن شامات و آناتولی آشنا شدند و آنان را نمایندگان اسلام شیعی تلقی کردند. سال‌ها و سده‌ها طول کشید تا غریبان با شیعیان اثنی‌عشری آشنا شدند (Kohlberg, "Western", studies of Shia Islam", 31).

به نظر یکی از وقایع‌نگاران بزرگ و مشهور جنگ‌های صلیبی، ویلیام، اسقف اعظم صور (حدود ۱۱۳۰-۱۱۹۰م)، شیعیان، تنها علی‌الیه را پیامبر ﷺ بر حق می‌دانند و اینکه خداوند قصد داشت پیامبری اسلام را به وی بسپارد، اما جبرئیل اشتباه کرد و آن را به جای علی‌الیه، به محمد ﷺ سپرد. به نظر کلبرگ، ویلیام این اطلاعات را از نویسندگان اسلامی در دوره قرون وسطی گرفته بود و نمی‌توان آن را ساخته و پرداخته ذهن خود او دانست. کلبرگ سپس از ابن حزم (۴۵۶ق/۱۰۶۴م) نام می‌برد که در کتاب خود اطلاعاتی درباره فرقه‌ای به نام «غرابیه» آورده است: به اعتقاد آنان، شباهت علی‌الیه و محمد ﷺ به یکدیگر، از شباهت دو غراب (کلاغ) به یکدیگر بیشتر بود و در نتیجه جبرئیل در ابلاغ وحی اشتباه کرد! به نظر کلبرگ، ابن حزم اولین کسی نیست که از این فرقه سخن گفته است، بلکه ابن قتیبه و دیگران نیز مطالبی در این باره نوشته‌اند (Ibid, 32). به سبب ضعف اطلاعات، ویلیام نمی‌دانست که غرابیه فرقه‌ای تندرو بود و در میان خود مسلمانان نیز اعتباری نداشت؛ چندان که بغدادی کفر آنان را از یهود بیشتر می‌دانست (بغدادی، ۲۳۸).

به نوشته دیگر نویسندگان دوره جنگ‌های صلیبی، ژاکوب دوویتری، اسقف شهر آکری، از نظر شیعه، علی‌الیه پیامبری برجسته بود که خداوند با او با صمیمیت بیشتری نسبت به محمد ﷺ سخن گفته است. به نظر ژاکوب، علی و یارانش به محمد ﷺ تهمت زدند و به قوانین او حمله

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۸

کردند. ژاکوب، ویژگی‌های تشیع و تفاوت آن با تسنن را، درباره مسائلی مانند آیین‌ها و سبک‌های نیاپش به درگاه خداوند، تشریفات مذهبی و عرف دینی بسیار مبهم مطرح کرده است. از نظر او، دعا و تشریفات مذهبی و عرف‌دینی شیعیان با مسلمانان سنی مغایرت دارد (Kohlberg, "Western studies of Shia Islam" 32).

به نظر ریکاردو دی مونتی، از مبلغان فرقه دومینکن که مدتی در عراق سکونت داشت، به عقیده عراقیان، حق علی ع غصب شده و از "محمد ص" به عنوان غاصب نام برده است. به نوشته کلبرگ، معلوم نیست که آیا او این بهتان را از برخی سنی‌ها شنیده، یا صرفاً نام محمد ص را با اولین خلیفه پس از او، که از نظر شیعیان غاصب بود، اشتباه گرفته است (Ibid, 132).

تشیع امامیه، مدت‌ها پس از جنگ‌های صلیبی و حتی در ابتدای قرون جدید نیز همچنان ناشناخته باقی ماند. هرچند در جنگ‌های صلیبی، اروپاییان با جوامع خاور نزدیک، برخوردهایی داشتند، اما اطلاعات آنها از اسلام و تقسیمات داخلی آن بسیار اندک بود (دفتری، ۲۲). پس از پایگیری سلسله صفوی و به دنبال افزایش مناسبات و ارتباطات تجاری و فرهنگی با غرب بود که غبار پیرامون تشیع اندک اندک کنار رفت و راه برای شناخت این مذهب هر چند در ابعادی محدود، هموارتر گردید.

۲. شیعه‌پژوهی با روش پژوهش میدانی

با تشکیل دولت شیعی صفوی و رویارویی با دولت عثمانی که مظهر اسلام سنی بود، ایران در کانون توجه اروپاییان قرار گرفت: آنها با عثمانی‌ها درگیر بودند و به همین سبب، کم‌کم روابط سیاسی و تجاری بین ایران و اروپا گسترش یافت (فلسفی، ۴). دولت صفوی درصدد بود تا مناسبات خود را با اروپاییان که طبعاً نقش مهمی در کامیابی و ناکامی امپراتوری عثمانی داشتند، گسترش دهند. کشورهای اروپایی نیز که بیشتر از قدرت گرفتن امپراتوری عثمانی بیم داشتند (دانش‌پژوه، ۱۳)، به ایران نزدیک شدند. اولین فرمانروایان اروپایی که به شاه اسماعیل، در برابر عثمانی پیشنهاد اتحاد دادند، چارلز اول پادشاه اسپانیا و لودویک دوم پادشاه مجارستان بودند (سیوری، ۹۲).

از طرف دیگر، اندکی پیش از تأسیس سلسله صفویه، در سال ۱۴۹۸م غربیان با دور زدن دماغه امیدنیک و گشایش راه جدید دریایی، به شرق رسیده بودند. از این رو جهانگردی به‌ویژه در شرق دور اهمیت خاص یافت. با افزایش مناسبات سیاسی، تجاری و فرهنگی با غرب، انبوهی از

گردشگران روی به سوی ایران نهادند. برخی از آنان مدتی در ایران ماندند و گزارش‌هایی از مشاهدات خود تهیه کردند؛ بدین ترتیب، پژوهش‌های میدانی آغاز شد. مسافران، بیشتر دریانورد، سرباز، بازرگان و مبلغ مذهبی بودند و به نظر دوپرون (۱۸۰۵-۱۷۱۳) شرق‌شناس فرانسوی، بیشتر ایشان در این سفرها انگیزه‌های مادی داشتند (حسین‌زاده، ۲، ۳۹).

سفرنامه‌های این مسافران، که بیشتر پس از سده یازدهم میلادی نوشته شده‌است، اطلاعات چشمگیری درباره سرزمین‌های اسلامی به اروپا برد. در این بین سفرنامه‌های مرتبط با نواحی شیعه‌نشین، منابع مهمی برای شرق‌شناسان درباره شیعیان شمرده می‌شدند، زیرا نویسندگان مطالب بسیاری درباره باورها، مراسم مذهبی و عبادی و تاریخ شیعیان به دست داده بودند (همو، ۳۷). هرچند که باز هم اطلاعات مربوط به امامیه، در آن آثار اندک بود و تنها برخی از جنبه‌های آن را در بر می‌گرفت و لغزش‌ها در زمینه‌های تاریخی و اعتقادی جلب توجه می‌کرد. با این همه، در دوره صفوی تشیع در ایران بیشتر گسترش یافته بود و شیعیان آزادی رفتار بیشتری داشتند. به همین سبب، موقعیت بی‌سابقه‌ای برای سیاحان اروپایی پدید آمد تا با دقت بیشتری در این باب پژوهش کنند و بدین ترتیب، بی‌میلی آنان با برآمدن صفویه تغییر کرد (Brunner and Werner, Preface).

از ابتدای صفویه تا آغاز سده ۱۹ سفرنامه‌ها منبع اصلی شناخت غرب از تشیع بودند؛ بنابراین شناخت این دسته از منابع برای درک بهتر شیعه‌پژوهی میدانی در غرب اهمیت خاص دارد. از این سفرنامه‌ها پیداست که غربیان در شناخت تشیع تا چه اندازه از اهل سنت و منابع نه چندان قابل اعتماد متأثر بوده‌اند. در این دوره تغییرات آشکاری در نوع نگاه پدیدارشناختی غربیان نسبت به مذهب تشیع پدید آمد. با این همه، چون در کسب اطلاعات و آگاهی، تمرکز بر مردم عامی و غیرمتخصص و نیز مشاهدات عینی بود، اطلاعات گرد آمده آمیخته با خرافه بود، نه منابع اصلی شیعه و طبقه عالمان.

بیشتر گزارش‌ها در این دوره از ایران است، به گونه‌ای که "در نیمه‌های دوم سده ۱۷ میلادی از ۱۴۷ سفرنامه‌ای که جهانگردان فرانسوی نوشته‌اند، ۵۲ عنوان آنها درباره ایران بوده‌است (احمدوند، ۱۶۴)." مانند: سفرنامه آمبروسیو کنتارینی (۱۴۷۳م)، سفرنامه کاترینو زنو (حدود ۱۴۷۵م)، سفرنامه جووان ماریا آنجوللو (حدود ۱۵۰۰م)، سفرنامه بازرگان ونیز در ایران (حدود ۱۵۱۰م)، سفرنامه برادرا نشرلی (۱۵۹۸م)، سفرنامه پیتر و دلاواله (۱۶۱۷م)، سفرنامه آداما

ولناریوس (۱۶۳۴م)، سیاحتنامه شاردن (۱۶۶۴م) و سفرنامه کروسینسکی (۱۷۰۷م) (بارانی، تاریخ مطالعات اسلامی در غرب، ۸۶).

آدام الناریوس (متولد ۱۶۰۳م) گزارش‌هایی از اعتقادات ایرانیان در کتاب خود به دست داده و از اختلافات بین ایرانیان شیعی و ترکان سنی عثمانی سخن گفته است: ریشه اختلافات به موضوع جانشینی حضرت محمد ﷺ باز می‌گردد و علی علیه السلام چون قدرت نداشت، مجبور شد در برابر ابوبکر، عمر و عثمان سکوت کند؛ زیرا به نظر مؤلف، هر کس که بار حکومت را به دوش می‌کشد، باید از ثروت و دارایی نیز برخوردار باشد. او ظهور مذهب تشیع را به شیخ صفی نسبت می‌دهد: «ایرانی‌ها که مردمی بدعت طلبند، بسیاری‌شان به شیخ صفی گرویدند و پیرو تعالیم او شدند، بدعت‌هایی را که او در دین آورده بود پذیرفتند و از ترک‌ها جدا شدند (الناریوس، ۳۳۱)».

ژان باتیست تاورنیه (۱۶۰۵-۱۶۸۹م) از سیاحان سده هفدهم میلادی که سفرنامه او نقش مهمی در شناساندن ایران به اروپاییان داشت، در کتاب خود شرح مفصلی از مذاهب ایرانیان، عزاداری امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام و برخی مسائل مربوط به آنان و اختلافات میان شیعه و سنی آورده است (تاورنیه، ۴۱۰).

شاردن (۱۶۴۳-۱۷۱۳م) جهانگرد فرانسوی از عقیده ایرانیان سخن به میان آورده که پادشاهی بر مردم حق خاص پیغمبران و جانشینان و نایبان بلافصل آنان است. او به دو دستگی مردم ایران، در موضوع جانشینی امام زمان پرداخته (شاردن، ۳، ۱۱۴۲) و در موضوع غیبت امام زمان علیه السلام، سال آن را غلط ثبت کرده است (همو، ۳، ۱۱۴۳). پروفیسور لمبتون و نیکی کدی از این اثر بهره برده‌اند (33, "western studies of shia Islam", Kohlberg).

در سفرنامه برادران شرلی از مآخذ مهم تاریخ صفویه، اطلاعاتی جزئی درباره عقیده ایرانیان به خدای واحد و ارادت به علی علیه السلام آمده است. از جمله مطالب مهم کتاب، گزارش از جایگاه سادات است: در ایران برخلاف عثمانی‌ها، کسی برای سادات احترامی قائل نیست: «...و در هر شهری از توابع ایران هر روز شخصی دیده می‌شود، که تبری بر دوش گذاشته و در کوچه‌ها گردش می‌کند و به صدای بلند می‌گوید اگر شخصی منسوبان پیغمبر را تفوقی بر سایرین دهد یا اگر اظهار سیادت نماید سر او فوراً بریده خواهد شد» آنگاه ادعا می‌کند که به چشم خود دیده که در اصفهان یک نفر عثمانی را به سبب ادعای انتساب به خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم گردن زده‌اند (شرلی، ۶۶۰). در مقابل، الناریوس در سفرنامه خود در دوره صفویان از ارزش و جایگاه سادات در ایران

سخن به میان آورده است: آنها در مملکت آزادی بسیار دارند و طبقه خاصی را تشکیل می دهند که حتی حق ازدواج با غیر سادات را هم ندارند (الثاریوس، ۳۳۲).

سفرنامه فرانچسکو کارری ایتالیایی (۱۶۵۱-۱۷۲۵م)، که در زمان شاه سلطان حسین صفوی به ایران آمد، متضمن مطالبی درباره مشاهدات او در شهرهای جلفا، تبریز، قم، اصفهان، شیراز، بندر لنگه و روستاها و دهکده‌های مسیر راه و حاکی از وضع عمومی ایران در پایان دوره صفوی است. به نوشته او، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در نزدیکی های بغداد به دست عمر بن سعد کشته شدند (کارری، ۱۴۹)، در حالی که بغداد در آن روزگار هنوز وجود نداشت و معلوم نیست که چرا نامی از کربلا به میان نمی‌آورد. او به اعتقادات ایرانیان درباره زندگی پس از مرگ نیز پرداخته و افسانه‌هایی در این باب نقل کرده و ظهور امام دوازدهم را به روز رستاخیز پیوند داده است (همو، ۱۵۴).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

انگلبرت کمپفر آلمانی (۱۶۵۱-۱۷۱۶م) در سال ۱۶۸۳/۰۹۴ق و در زمان شاه سلیمان صفوی، از جانب دولت سوئد به ایران آمد و نزدیک ۲ سال در ایران ماند. وی نیز اطلاعاتی درباره پای بندی ایرانیان به مذهب شیعه و امامان آورده است (کمپفر، ۱۳۲). کمپفر به موضوع مهدویت هم پرداخته و در برخی موارد دیگر دچار اشتباه شده است: مثلاً در بحث درباره آیین‌های سوگواری شیعیان برای امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، روز شهادت امام حسن علیه السلام را در محرم آورده است (همو، ۳۵).

سفرنامه سانسون، که از مبلغان مذهبی بود و در زمان شاه سلیمان برای ترویج مسیحیت به ایران آمد و سال‌هایی در ایران زندگی کرد، شامل اطلاعاتی درباره اعتقاد شیعیان درباره جانشینی علی علیه السلام پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و او این عقیده را از اصلی‌ترین علل اختلاف بین ایرانیان و ترکان عثمانی می‌داند (سانسون، ۳۶). سانسون درباره عقیده به مهدی علیه السلام هم مطالبی آورده و این عقیده را با "انوک" در دین یهود مقایسه کرده است (همو، ۶۷).

سفرنامه‌نویسان دوره صفوی گاه به اختصار و گاه به تفصیل به تشیع و اعتقادات ایرانیان پرداخته‌اند. این آثار اگرچه بعدها به‌ویژه در سده نوزدهم از جمله منابع اسلام‌شناسان غربی بودند، در دوره نگارش در زمان خود در محافل علمی جایگاه چندانی نیافتند، زیرا اصولاً نویسندگان سفرنامه‌ها، شخصیت‌های علمی و آکادمیک نبودند: بیشتر دیپلمات‌ها، بازرگانان و مبلغان مذهبی بنابر اهدافی در ایران حضور یافتند و سفرنامه نوشتند. از این گذشته، در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی به سبب گسترش رابطه میان اروپاییان و عثمانی، طبعاً به منابع اهل سنت بیشتر

توجه می‌شد و معدودی از پژوهشگران که به مطالعه درباره شیعه علاقه نشان می‌دادند، به آن دسته از منابع تکیه می‌کردند و اصولاً دسترسی به منابع شیعی بسیار دشوار بود. برای نمونه، ادوارد پوکاک که اولین کرسی استادی زبان عربی در دانشگاه آکسفورد از آن او بود، در سال ۱۶۵۰ در کتابش، بیشتر از آثار غزالی و شهرستانی بهره برد و روشن است که اطلاعات موجود در این آثار درباره شیخ ناکافی است و خالی از اغراض نیست. به باور کلبرگ، شاید پوکاک و معاصرانش به سبب دانش اندک در باب ماهیت حقیقی شیعه، نه از تمایلات ضدشیعی منابع آگاه بودند و نه حتی احتمال می‌دادند که چنین تمایلاتی وجود داشته باشد؛ بنابراین نیازی به کشف آثار اصیل شیعی احساس نمی‌کردند (Kohlberg, "Western studies of Shia Islam", 34).

پس از دوران صفوی، سفر جهانگردان به ایران در دوره‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه نیز استمرار یافت؛ چندان که بیشتر سفرنامه‌ها درباره ایران به دوران صفویه و بعد از آن مربوط است (دانش‌پژوه، ۳۹).

در دوره قاجار نیز نزدیک ۱۰۸ جهانگرد اروپایی به ایران آمدند؛ مانند دوگوبینو فرانسوی، لرد کرزن، ادوارد براون، فوریه و ویلیام جکسون. با وجود شمار چشمگیر مسافران غربی در روزگار قاجار، سفرنامه‌های این دوره، درباره شیخ، بسیار اندک است (بارانی، «بازنمایی فرهنگ و هنر شیعی در سفرنامه بنجامین»، ۴۴، ۲۰۳).

شیعه‌پژوهی علمی

از سده نوزدهم میلادی، در بیشتر کشورهای اروپایی اهتمام نسبت به مطالعات اسلامی افزایش یافت، زیرا با توسعه استیلا سیاسی و اقتصادی ایشان بر جهان اسلام، اروپاییان کم‌کم به این نتیجه رسیدند که به شناخت گسترده‌تری درباره سرزمین‌های اسلامی نیاز دارند. درباره مطالعات شیعی در این سده، همچون سده‌های گذشته، مسافران هنوز منبع اصلی اطلاعات بودند. می‌توان به ژوزف آرتور دوگوبینو دیپلمات فرانسوی اشاره کرد که بین سال‌های ۱۸۵۵ و ۱۸۵۸ و دوباره بین سال‌های ۱۸۶۱ و ۱۸۶۳ در تهران بود و بعدها دو کتاب نوشت: «سه سال در آسیا» و «مذاهب و نظریات فلسفی در آسیای مرکزی» گوینو از جمله اولین کسانی از میان غربی‌هاست که به اختلاف‌های موجود میان علمای ایران یعنی «اخباری‌ها» و «مجتهدان» توجه کرده است (Kohlberg, "western studies of Shia Islam", 34-35).

وی در کتاب سه سال در آسیا درباره احساس تعلق خاطر ایرانیان نسبت به امامان نوشته است: چون امام حسین علیه السلام با یک شاهزاده خانم ایرانی ازدواج کرد و اولاد این ازدواج، و بازماندگان خاندان علی علیه السلام به ایران کوچ کردند، دیگر ایرانی شدند و در نتیجه، عشق به امامان نوعی احساس ملی شده است (دوگوبینو، ۲۱۲). دوگوبینو در کتاب نظریات فلسفی در آسیای مرکزی، تشیع را نسخه جدیدی از دیانت ایرانیان در عهد ساسانیان و تجلی اعتراض ایرانیان در برابر فتوحات اعراب در ایران دانسته است (Ibid. 35).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

۱۱

جیمز موریه، دیپلمات انگلیسی که مدتی در ایران زندگی کرد، در داستان حاجی بابای اصفهانی (۱۸۲۴م) در واقع نظام اجتماعی ایران را ناکارآمد نشان داد و بدین سبب تحسین شد، گرچه از سوی دیگر به خاطر ارائه تصویری طنزگونه از جامعه ایران مورد انتقاد قرار گرفت (Ibid. 35).

از ابتدای سده ۱۹م دانش غرب درباره اسلام شیعی تا اندازه‌ای افزایش یافت که حاصل کوشش اسلام‌شناسان در هند بود؛ گرچه آثار آنان، بیشتر در باب فقه اسلامی بود. بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج در آمریکا و سپس انگلستان، این تفکر شکل گرفت که بهترین معرف دین و آیین، فردی است که از درون به آن می‌نگرد. توصیف عینی دین، به ویژه از جانب کسی که اصلاً به آن اعتقاد ندارد یا آن را مطرود می‌داند، به هیچ‌روی کافی نیست. کشف این حقیقت موجب شد تا در آمریکا مراکزی برای پژوهش‌های اصیل درباره ادیان تأسیس و حتی از دانشمندان و مآخذ ادیان، برای درک آنها استفاده شود. مسلم است که شیعه‌پژوهی نیز از این امر مستثنی نبود (طباطبائی، ۴).

هرچند در این سده نیز، به سبب دشواری دسترسی به متون اصلی شیعه، تصویر واقع‌گرایانه‌ای از تشیع ترسیم نشد. در نیمه دوم سده ۱۹م، کوشش‌هایی برای دستیابی به متون برای چاپ یا ترجمه صورت گرفت، اما چون این اقدامات پراکنده و بیشتر به ابتکار خود دانشمندان متکی بود، هیچ یک از کتابخانه‌های بزرگ اروپا برای خریداری این قبیل نسخه‌های خطی اقبالی نشان نمی‌دادند (Kohlberg, "western studies of Shia Islam", 36).

در آخرین دهه‌های سده نوزده، برخی خاورشناسان، چون گلدسیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱) و ادوارد براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶) به پژوهش در این رشته تمایل یافتند، ولی هیچ یک در این زمینه متخصص نشدند (Brunner, preface). دیگر اسلام‌شناسان، ولهاوزن (۱۸۴۴-۱۹۱۸م)، اشتروتمان (۱۸۷۷-۱۹۶۰م)، لامنس (۱۸۶۲-۱۹۳۷م)، فلوتن (۱۸۶۶-۱۹۰۳م)، لویی ماسینیون (۱۹۶۲-۱۸۸۳م) و هانری کرین (۱۹۰۳-۱۹۷۸م) کمابیش همین وضعیت را داشتند.

گلدسیهر نیز گرچه از وی به عنوان پدر اسلام‌شناسی آکادمیک در غرب یاد می‌کنند، او نیز بر منابع اهل سنت تکیه داشت که بر داوری‌های او درباره تشیع بی‌تأثیر نبود (Brunner, preface).
(Kohlberg, "Early Shiism in history and research", xxiv).

لامنس خاورشناس بلژیکی نیز بیشتر با انگیزه دشمنی با اسلام و به‌ویژه شیعه کتاب می‌نوشت (نیک‌بین، ۲، ۹۶۲، ۹۶۳). به نظر هالم (متولد ۱۹۴۲م) مطالعات آکادمیک درباره اصل و مبدأ تشیع با ولهاوزن و کتاب او، تاریخ سیاسی صدر اسلام شیعه و خوارج آغاز شد و این کتاب هنوز هم یکی از معتبرترین آثار در این زمینه است (Halm, 3). او در کتاب تشیع خود فهرست مختصری از اسلام‌شناسانی که به شیعه پرداخته‌اند به دست داده است. به نظر وی، یکی از دلایل کمبود و نقصان مطالعات شیعی، عدم دسترسی به بخش مهمی از آثار شیعی بوده است (Ibid, 3).

اسلام‌شناسانی چون دونالدسون، لالانی، مادلونگ، کلبرگ، برنارد لوئیس و هاجسن، درباره شاخه‌هایی از تشیع پژوهش کرده‌اند. شخصیت کلیدی این دوره دونالدسون است که با کتاب مذهب شیعه، مطالعات امامیه‌شناسی در دانشگاه هاروارد را بنیان نهاد.

به طور کلی آنچه از تشیع در آثار اسلام‌شناسان غربی این دوره ترسیم شده است، نشان می‌دهد که تشیع را شاخه‌ای فرعی از اسلام تلقی کرده‌اند که با روح اصیل این دینت در تعارض است و تحت تأثیر اندیشه‌های ملل دیگر و به‌ویژه ایرانیان قرار داشته است. رینهارت دوزی، آن‌کی لمبتون و شماری دیگر از جمله پیروان این تئوری هستند. به نظر لمبتون، مبنای سیاسی شیعه از تفکر عرفانی متأثر از بلوک یونانی شرق سرچشمه گرفته و اندیشه‌های ماوراء طبیعی و اعتقاد به تقدیر نیز بر آن افزوده شده است. به نوشته وی، این تفکر عرفانی در قالب فلسفه نور تجلی یافت: از آدم تا علی علیه السلام و ذریه او و بر همین اساس است که شیعیان به علم غیب و عصمت از گناه درباره امامان خویش عقیده دارند (لمبتون، ۳۵۸، ۳۵۹).

برخی از اسلام‌شناسان، همچون ولهاوزن، فلوتن، لامنس و برنارد لوئیس، شکل‌گیری تشیع را نتیجه نزاع و اختلاف سیاسی پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند و از نظر اندیشه برای آن اصالتی قائل نیستند. به نظر لامنس در کتاب اسلام، عقاید و مؤسسات^۱، انشقاق در اسلام مانند کلیسای مسیحی براساس مباحث دینی-عقیدتی نبود، بلکه آنچه سبب افتراق و بدعت در دنیای اسلام شد، اختلاف نظرهای سیاسی بود (Lammens, 141).

1. Islam belief and institutions.

به گمان فلوتن^۱، (۱۸۶۶-۱۹۰۳م) خاورشناس هلندی، جنبش‌های ممالک زیر نفوذ اعراب، به رغم چهره دینی آن، فقط و فقط برای اغراض سیاسی بود و امامت، نخستین موضوعی بود که بین مسلمانان تفرقه انداخت (فلوتن، ۷۷). ولهاوزن اختلاف و تقسیم اسلام را به دو حزب علی و معاویه به بعد از کشته شدن عثمان مربوط می‌داند؛ پس از آنکه معاویه قدرت را به دست گرفت، واژه شیعه دیگر تنها به طور انحصاری بر پیروان علی ع اطلاق شد (ولهاوزن، ۱۳۹).

به عقیده شیعیان، بعد از وفات پیامبر ص می‌بایست علی ع به عنوان خلیفه اول انتخاب می‌شد (M. Zwemer, 138) و اینکه پیامبر ص، علی و فرزندان وی را در اجتماع غدیر به عنوان جانشین خود معرفی کرد. به گمان شماری از اسلام‌شناسان، محمد ص کسی را به عنوان جانشین خود انتخاب نکرد و گزینش دو خلیفه اول از طریق اجماع و مردم حاصل شد (Patton, 11, 53).

امامت از دیگر موضوعاتی است که توجه پژوهشگران غربی را برانگیخت. به نظر لامنس، اعتقاد به منزلت اهل بیت در میان شیعیان، حتی آنان که چندان متعصب نیستند، جایگاهی خاص دارد؛ چندان که به گمان وی، محمد ص تا اندازه‌ای در پرتو علی ع قرار گرفته است و تا اندازه‌ای، علی ع در سایه حسین ع (Lammens, 144). به نظر او، شیعیان اعتقاد دارند که حسین ع خود را داوطلبانه قربانی کرد تا انسان را با خدا آشتی دهد و محمد ص و علی ع و حسین ع تثلیث شیعه را به وجود آورده‌اند. محمد ص نماینده وحی است، علی ع قرآن را تأویل و تفسیر کرد و حسین ع فدیة‌ای الهی است (Ibid, 145). این مطالب حاکی از اطلاعات اندک لامنس از مذهب تشیع و فرقه‌های آن است.

از نیمه دوم سده بیستم و پس از انقلاب ایران، پیشرفت چشمگیری در مطالعات اسلامی درباره تشیع پیش آمد، زیرا شیعیان در ایران و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی برای شناساندن شیعه به جهانیان، آثار متعددی در این باره و ترجمه این آثار به زبان‌های اروپایی و نیز چاپ منابع دست اول شیعی روی آوردند. امیر معزی، سید حسین نصر یا سید حسین ام. جعفری، از این نویسندگان هستند. بدین ترتیب اندک اندک جنبه‌های مختلف آیین شیعه همچون شکل‌گیری، عقاید، مراسم مذهبی و حتی زندگی امامان شیعه مورد توجه اسلام‌شناسان غربی قرار گرفت، چندان که در چاپ دوم دایره‌المعارف اسلام، مقالات بسیار بیشتری نسبت به چاپ اول آن کتاب درباره تشیع و امامان شیعه درج شد. از جمله آثاری که به تاریخ‌شناسی و عقاید آن پرداخته‌اند، می‌توان به آثار نویسندگانی

1. Van Vloten.

چون هالم و جدیدترین آنها فان‌اس^۱ اشاره کرد، که قسمت قابل توجهی از کتاب خود را به شرح و تحلیل شخصیت‌های بزرگ و اصول عقاید ابتدای شیعه اختصاص داده است دیگران به ویژه بر دوره‌های آغاز تمرکز کرده و دوره شکل‌گیری امامیه و رشد تفکر شیعی را اساس کار خود قرار داده‌اند؛ کسانی چون هاجسن و مادلونگ در این دسته قرار می‌گیرند (Kohlberg, "Early Shiism in history and research", 33, xxv)، اما از آنجا که نویسندگان غربی از بیرون به مسائل می‌نگرند، به جزئیات اشراف ندارند، تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌های آنها درست و کامل نیست. معمولاً نگاه و رویکرد برونی سبب درک ماهیت و واقعیت یک پدیده نمی‌گردد (بارانی، تاریخ مطالعات اسلامی در غرب، ۱۵۳).

به هر حال، آثار اسلام‌شناسان غربی دارای نکات مثبت و منفی چندی است که در بررسی‌ها باید به آنها توجه داشت. اولین نکته قابل توجه، روش‌شناسی آنهاست؛ همچون روش میدانی، روش کتابخانه‌ای و روش گردآوری. توجه غربیان به این روش‌ها، سبب شد تا آثار آنها در این زمینه تا حدودی از حالت رکود و سکون خارج شود (همو، ۱۴۸). با این همه، تکیه بر منابع اهل سنت، استناد به منابع متأخر و غیر مرجع، آثار شماری از اسلام‌شناسان را از شرایط مقبول علمی خارج کرده است. همچنین اشتباه در ترجمه یا اشتباه در برداشت، مسأله دیگری است که در آثار خاورشناسان باید به آن توجه داشت (همو، ۱۵۴).

نتیجه

شیعه‌پژوهی در غرب در سه مرحله شناسایی شد: مرحله اول، آشنایی با تشیع که سرآغاز آن را به شکل مکتوب دست کم از دوره نبردهای صلیبی می‌توان پی گرفت. مرحله دوم هم‌زمان با آغاز فعالیت‌های اکتشافی در سطح جهانی در غرب و نیز مقارن پای گیری سلسله صفویه در ایران است: سفرهای سیاحان غربی به ایران، مطالعات میدانی غربیان را در زمینه فرهنگ و مذهب ایرانیان شیعی در این دوره گسترش داد؛ هرچند که در این مرحله نیز، آگاهی علمی درباره اسلام شیعی صورت جدی نیافت، زیرا سیاحان بیشتر به مشاهدات عینی خود بسنده می‌کردند و کمتر از عالمان شیعه و افراد مطلع برای دریافت اطلاعات متقن بهره می‌بردند. در سده نوزدهم میلادی، جایگاه مکتب تشیع و مرجعیت شیعی بیشتر آشکار شد و بنابراین، مطالعات شیعی رونق یافت. در سده بیستم میلادی، به سبب برخی حوادث و تحولات فکری و

1. Van Ess.

اجتماعی در جهان اسلام و ارتباط آنها با مشاهیر و عالمانی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزای شیرازی و سرانجام، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر فکری آن بر دیگر کشورهای اسلامی و اندیشمندان مسلمان، آشنایی علمی با تشیع و شیعه‌پژوهی بسی بیشتر از گذشته، توجه پژوهشگران غربی را برانگیخت.

هرچند با وجود رشد نسبی مطالعات شیعه‌پژوهی پس از سده بیستم، هنوز میزان آثار موجود درباره شیعه‌امامیه بسیار اندک است و بسیاری از تحقیقات درباره اسماعیلیان یا زیدیه است، نه شیعه اثنی‌عشری و باید توجه داشت که تصویر شیعه در بسیاری از آثار غربی، با قرون قبل چندان تفاوتی ندارد و همچنان بر همان تئوری‌ها و نظریه‌ها استوار است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۸

منابع

- احمدوند، عباس، «گذری بر مطالعات شیعی»، مجله مقالات و بررسیها، دفتر ۶۲، تهران، انتشارات دانشگاه الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- الناریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه و حواشی احمد بهپور، بی‌جا، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
- الویری، محسن، مطالعات اسلامی در غرب، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- بارانی، محمد رضا، تاریخ مطالعات اسلامی در غرب، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشرالمصطفی، ۱۳۹۵.
- بارانی، محمد رضا و امیرمحسن عرفان، «بازنمایی فرهنگ و هنر شیعی در سفرنامه بنجامین»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم، سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۲.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، دار الجیل - دار الآفاق، ۱۴۰۸.
- تاورنیه، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح دکترحمید شیرانی، اصفهان، ناشران کتابخانه سنائی و کتابفروشی تأیید، ۱۳۶۹.
- تقی‌زاده داوری، محمد، تصویر شیعه در دایرةالمعارف امریکانا، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۲.
- حسین‌زاده، حسن، «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب»، تاریخ در آینه پژوهش، فصلنامه علمی-تخصصی، سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۸۹.
- حمدی زقزوق، محمود، اسلام و غرب، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.

- دانش پژوه، منوچهر، بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، انتشارات فرهنگستان هنر، پاییز ۱۳۸۵.
- دفتری، فرهاد، عقاید و مطالعات اسماعیلی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تصحیح فرهاد دفتری، تهران، فرزان‌روز، ۱۳۸۱.
- دوگوینو، سفرنامه، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بی‌جا، نشر قطره، ۱۳۸۳.
- زمانی، محمدحسن، آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان، قم، انتشارات بین‌المللی مصطفی، ۱۳۸۸.
- سانسون، سفرنامه، دکترتقی تفضلی، تهران، انتشارات و کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۶.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفویه، ترجمه احمد صبا، تهران، کتاب تهران، ۱۳۶۳.
- شاردن، سفرنامه‌شاردن، ترجمه اقبال‌یغمایی، ج ۳، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴.
- شرلی، سفرنامه‌برادران شرلی، ترجمه آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر به‌دید، ۱۳۷۸.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، شیعه در اسلام، با مقدمه سیدحسین نصر، بی‌جا، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴.
- عبداللهی، حسین، فرهنگ اسلام‌شناسان خارجی، ج ۱، بی‌نا، مطبوعات مطهر، ۱۳۶۲.
- فلاطوری، عبدالجواد، تحقیق عقاید و علوم شیعی، اهمیت و ثمرات آن، یادنامه علامه امینی، به اهتمام سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲.
- فلسفی، نصرالله، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران، چاپخانه ایران، ۱۳۸۰.
- فلوتن، فان، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه، ترجمه مرتضی هاشمی حائری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۲۵.
- کارری، فرانچسکو، سفرنامه کارری، مترجم عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.
- لمبتون، آن‌کی‌اس، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سیدعباس صالحی، محمد مهدی فقیهی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۰.
- مارتین، ریچارد، «تاریخچه مطالعات اسلامی در غرب»، ترجمه عباس احمدوند، دانشنامه جهان اسلام معاصر، آکسفورد، بی‌تا.
- محمدپور، احمد، روش تحقیق کیفی ضد روش، ج یک، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.

- مینوی، مجتبی، اسلام از دریچه چشم مسیحیان، تاریخ و فرهنگ، مجموعه مقالات، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲.
- نصر، سیدحسین، خرد جاودان مجموعه مقالات، به اهتمام دکترسیدحسن حسینی، ج ۱، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
- نیک‌بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق زمین، تهران، انتشارات آرون با همکاری شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- وات، موتگمری، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب‌آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱.
- ولهاوزن، یولیوس، تاریخ سیاسی صدراسلام شیعه و خوارج، ترجمه دکتر محمودرضا افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳.
- همتی‌گلیان، عبدالله، کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.

- Brunner, Rainer, The twelve Shia in modern times, edited by Rainer Brunner and Werner Ende, Leiden, Boston, Koln, Brill, 2000.
- Halm, *Shiism*, Edinburgh, Edinburgh university press, 2004.
- Kohlberg, Etan, "Early Shiism in history and research", Etan Kohlberg, Shiism, volume 33, Burlington, Ashgate variorum, 2003.
- Kohlberg, Etan, "western studies of Shia Islam", Martin Kramer, Shiism, Resistance and Revolution, West view press, London, Mansell, 1987.
- Lalani, Arzina, *Early shii thought*, New York, Tauris and COLTD, 2000.
- Lammens, H, *Islam Belief and Institution*, translated by Sir E. Denison Ross, London, Cass and co, 1968.
- Madelung, Wilferd, "Shiism", Edited by Mircea Eliade, Encyclopedia of religion, vol 13, New York and London, Collier Macmillan, 1987.
- Patton, Walter M, "Shiiahs", *Religion and ethics*, edited by James Hastings, M.A, D.D, volume 11, New York, Charles scribner's son, 1928.
- Zwemer, M, Samuel, F.R.G.S, *Islam, challenge to faith*, London & Edinburgh, Marshal, 1909.